

یادداشت

صادرات دلارهای ارزان پنهان در لایه‌های زیرین کالاهای اساسی یارانه‌دار



منصورانصاری

گرچه چندین بار و از سال‌های گذشته به صورت مستمر موضوع زیان‌آوربودن دلارهای ارزان دولتی کسب‌شده از نفت، میعانات کاری و… در لایه‌لای اقتصاد به فساد کشانیده کلان کشور را در مصادیق مختلف بحث کرده‌ایم، اما به نظر می‌رسد ذی‌نفعان با نفوذی در میان صاحبان انواع امضاهای مختلف طلایی، نقره‌ای، مفرغی و… به بهانه دفاع از دهک‌های پایین‌دست یا به تعبیری «مستضعفان» که پیش از این ناامیده می‌شد، در مقابل این‌ توجیه که دلار ارزان موجب بهبود وضعیت معیشت آنان می‌شود، می‌خواهند از طریق کسب دلارهای ارزان و بذل و بخشش‌های حاصل از این کسب‌وکار، از خون بی‌کران تولید یارانه‌ای کالاهای اساسی بهره‌مند شوند. اما باید گفت که این دلارهای ارزان مستتر و پنهان در کالاهای اساسی یارانه‌دار بیشتر موجب ثروت‌اندوزی نامتعارف این عده قلیل و فقیرترشدن کسانی شده است که به بهانه آنان دلارهای ارزان قیمت برای تولید اختصاص می‌یابد.

یعنی در عرصه اختصاص انواع دلارهای ارزان در سال‌های متمادی گذشته در چرخه واقعی اقتصاد موجود و آنچه در عمل و اجرا صورت گرفته، نقض غرض شده است. یکی از دلایل وضعیت بازار نامتعادل و نامناسب کنونی و معیشت مردم، وجود دلارهای ارزان‌قیمت در اقتصاد کلان و بازرگانی کالاهای اساسی است که در یک فرایند پیچیده و نه خطی و مستقیم، تعادل منطقی میان فقرا و اغنیار را در هم ریخته و رشد سرمایه‌گذاری، محدود و تقریبا منتهی شده است. رغبت اصلی سرمایه‌گذاری، نه برای کسب سود منطقی حاصل از آن، بلکه برای دستیابی به ارزهای ارزان‌قیمتی است که در محاسبات سرمایه‌گذاران منظور می‌شود. به‌واقع، بخشی از انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی دستیابی آسان به این مابه‌التفاوت است.

این در حالی است که بعضی از اتحادیه‌ها آشکارا یا بیختر و افتخار از درآمد میلیونی صادرات کالاهای یارانه‌دار نام می‌برند. مثلا فلان اتحادیه از صادرات ۱۷۰ میلیونی تخم‌مرغ یا فلان شرکت لبنی، روغنی و… همین‌طور. این موضوع وقتی تأسف‌بار است که بعضی مسئولان مرتبط هم در گفت‌وگو با رسانه‌ها، همین ارقام را به‌عنوان دستاورد ملی مورد تأکید قرار می‌دهند، اما مشخص نیست سوبسید ارز ارزان در لایه‌های پنهان این صادرات افتخارآمیز چقدر بوده؟ آیا اگر قرار بود که این تولید با دلار به نرخ آزاد انجام شود، دستاورد ارزی آن با حجم سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته، تناسب و سود منطقی داشت؟ یعنی این کالاها می‌توانستند در بازار کشورهای هم‌جوار رقابت کنند یا قیمت آنها آن‌قدر گران می‌شد که اصلا بازار نداشتند و آیا دستاورد ارزی به این مقدار حاصل می‌شد؟ آیا واقعا محقانه است که دلارهای به‌کاررفته ارزان در کالاهای این‌چینی به صورت سوبسید به مردم کشورهای خریدار این کالاها داده شود ولی صرف سرمایه‌گذاری و توسعه پایدار در کشور نشود؟ نکته مهم‌تر اینکه چه میزان از دلارهای حاصل از این معاملات صادراتی به کشور برمی‌گردد؟ آیا برای صادرات گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، روغن، مواد لبنی و… تعهد ارزی و میزان کمیت آن وجود دارد؟ واقعا چقدر از پول این کالاهای صادراتی با وصفی که گذشت به بانک مرکزی بازمی‌گردد؟ آیا باید همچنان شاهد تهی‌شدن خزانه ارزی کشور برای اعطای سوبسید به مردم کشورهای هم‌جوار باشیم؟ چه نهاد یا آزاد بخشی از دولت بر این ارزهای ارزان در لایه‌لای تولید اجناس این‌چینی یا حتی دام زنده نظارت دارد یا باید نظارت داشته باشد؟ از سوی دیگر، آیا تعبیر اقتصادی این بحث این نیست که دولت به خیال خود برای تنظیم بازار و دفع مازاد تولیدات یارانه‌دار نوعی ارزیابی را در سیاست صادراتی کالاهای اساسی اعم از فرآورده‌های دام و طیور یا دیگر موارد یارانه‌دار به کار گرفته است؟ آیا این شیوه بازرگانی که در ۴۰ سال گذشته عمل شده، حالا در شرایط تکن‌های شدید ارزی موجب فروریزی توان اقتصادی کشور نمی‌شود؟

ارتباط با روزنامه شرق

T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR

نوبت دوم

موضوع مناقصه : خرید ۱۲۸ عدد شیر سمآوری (پلاک ولو)

با مشخصات ذیل:

VALUE	QTY (NO)	DESCRIPTION	ITEM
40	LUBRICATED TAPER PLUG VALVE 2” CL 150-W.T 0.154	01	
05	LUBRICATED TAPER PLUG VALVE 8” CL 150-W.T 0.188	02	
40	LUBRICATED TAPER PLUG VALVE 2” CL 300-W.T 0.154	03	
30	LUBRICATED TAPER PLUG VALVE 4” CL 300-W.T 0.172	04	
05	LUBRICATED TAPER PLUG VALVE 6” CL 300-W.T 0.172	05	
08	LUBRICATED TAPER PLUG VALVE 8” CL 300-W.T 0.188	06	
128	TOTAL VALUE		

۱- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۰/۰۰۰/۰۰۰/۱۹۸۲ (یک میلیارد و نهصد و هشتاد و دو میلیون) ریال می باشد.

۲- شرکت کنندگان باید عضو سامانه توابیران و همچنین وندور لیست سامانه EP وزارت نفت باشند.

۳- مدت اجرای پروژه ۱۵۰ روز می باشد.

۴- متقاضیان باید عضو سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir باشند.

۵- قیمت مناسب پیشنهاد دهندگان بر اساس دستورالعمل ارزیابی مالی و قیمت متناسب صنعت نفت (فرایند دامنه قیمت)،تعیین می گردد.

۶- ضمانت نامه شرکت در فرایند ارجاع کار باید از آخرین مهلت پیشنهاد قیمت (به تاریخ ۱۴۰۳/۳/۲۰) به مدت سه ماه (تا تاریخ ۱۴۰۳/۶/۲۰) اعتبار داشته باشد.

۷- کلیه مدارک فنی(پاکت ب) در قالب صرفا فایل قابل دی او اف(PDF) بارگزاری گردد.

متقاضیان شرکت در مناقصه تا ساعت ۱۹ چهارشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۲/۲۳ مهلت دارند نسبت به دریافت اسناد مناقصه به سایت سامانه تدارکاتی الکترونیکی دولت به آدرس **www.setadiran.ir** مراجعه نمایند.

مهلت بارگذاری پیشنهادتداکاتر تا ساعت ۱۰/۰۰ یکشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۲/۲۰ و بازگشایی پاکات دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۳/۲/۲۱ ساعت ۱۰/۰۰ می باشد.

شماره آگهی : ۱۷۱۲۴۱۱ م: الف : ۲۲۶

نوبت اول : ۱۴۰۲/۲/۲۲ نوبت دوم : ۱۴۰۲/۲/۲۴



عکس:حسین سلیمان یارانه‌دار فارس

کارشناسان اقتصاد معتقدند دولت به سمت روش‌های جدید بی‌نظمی مالی و شفافیت‌گریزی رفته است

تغییر سبک بی‌انضباطی

مهماف سلیمان بیگی: دولت مدعی است توانسته علاوه

بر تسویه بدهی‌های دولت گذشته، با کاهش استقراض

از طریق اوراق، از خلق دیون برای دولت‌های آینده هم جلوگیری کند. هم‌زمان رئیس‌جمهور روی این هم تأکید دارد که در دولتش خسری از استقراض از بانک مرکزی نیست. اما کارشناسان معتقدند خسری از انضباط مالی و کاهش استقراض‌ها نیست و دولت سیزدهم تنها روش را برای این کار تغییر داده تا همه‌چیز غیرشفاف‌تر و با مسئولیت پاسخ‌گویی کم‌تری برایش تمام شود. آنها رشد فراینده آمارهایی مثل بدهی دولت به شبکه بانکی و صندوق توسعه ملی را گشاه گفته‌های خود معرفی می‌کنند.

حراج بی‌روغ اوراق

هفته گذشته نخستین حراج اوراق دولتی در سال ۱۴۰۳ برگزار شد. حراجی که در واقع آخرین تیر دولت برای تأمین کسری بودجه بود. با این حال حراج اوراق سوت و کوکر برگزار شد و از مجموعا ۳۵ هزار میلیارد تومان اوراق به حراج گذاشته‌شده که نرخ بازده تا سررسید آنها از ۲۷.۹ درصد تا ۲۸.۸ درصد متفاوت بود. تنها شش هزارو ۶۰۰ میلیارد تومان اوراق «اراد ۱۵۷» با نرخ سود ۲۸.۳۹ درصدی و تاریخ سررسید تیرماه ۱۴۰۵ آن هم از سمت یک بانک خریداری شد. هم‌زمان آمارهای اقتصادی آخرین گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به نظام بانکی کشور در بهمن پارسال نسبت به ماه مشابه ۱۴۰۱ بیش از ۵۵ درصد رشد داشته و به رقم هشتگ هزارو ۳۱۰ تریلیون تومان رسیده است. بدهی دولت به بانک‌های کشور نیز از زمان آغاز به کار دولت ابراهیم رئیسی دو برابر شده است. بدتر اینکه رقم یادشده تنها معادل ۲۰ درصد از کل بدهی دولت است و بخش اعظم بدهی دولت مربوط به استقراض از صندوق توسعه ملی است که رقم آن به بالای ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. رقمی که معادل ۲.۵ سال بودجه عمومی دولت است. در همین حین پیرونده تاریخ‌ساز ماجرای چاپ پول در دولت رئیسی هم توسط رئیس کل سابق بانک مرکزی باز شده است. عبدالناصر همتی اخیرا گفته که دلیل اصلی شکست دولت سیزدهم در تحقق وعده کنترل تورم و نرخ ارز، رقم وحشتناک چاپ پول بود. به گفته او در دو سال و نیم گذشته، این دولت ۶۰۰ هزار میلیارد تومان پول چاپ کرد؛ یعنی پایه پولی در ۳۰ ماه، ۱۱۵ درصد افزایش داشته است. آن هم درحالی‌که از زمان هوشترخه تا شهریور ۱۴۰۰، جمع این رقم، ۵۱۹ هزار میلیارد تومان بوده است.

علت کاهش انتشار اوراق در دولت سیزدهم

چاپ اوراق یک دهه‌ای است که در اقتصاد ایران نقش پررنگی ایفا می‌کند. دولت قبل به صورت نسبتا گسترده از

اوراق بدهی برای تأمین کسری بودجه استفاده می‌کرد. به‌طوری‌که آمارها نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ دولت سالانه بین ۴۴ تا ۴۸ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی منتشر کرده است. کمی بعد، یعنی هم‌زمان با سخت‌ترشدن شرایط اقتصادی با تشدید تحریم‌ها، بروز همه‌گیری کرونا و به‌خصوص کاهش قیمتت نفت و درآمدهای نفتی، دولت در حجم بسیار وسیع‌تری به این ابزار استقراضی روی آورد. به این ترتیب حجم انتشار این اوراق در سال ۱۳۹۸ به ۸۲ هزار میلیارد تومان رسید. اما در سال ۰۹، این وضعیت به حالت انفجار درآمد و از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفت. در دولت سیزدهم هم انتشار اوراق ادامه یافت.

طبق گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس به شماره‌های ۱۹۲۴۶ و ۱۹۴۶۱ (به ترتیب انتشار در شهریور و آذر ۱۴۰۲) در سال ۱۴۰۰، حجم اوراق منتشرشده به ۱۸۲.۵ هزار میلیارد تومان رسید و در سال ۱۴۰۱ نیز رکورد انتشار اوراق با رقم ۲۱۸.۵ هزار میلیارد تومان شکسته شده است. پیش‌بینی‌ها همچنین برای سال گذشته، انتشار ۱۸۷ هزار میلیارد اوراق را نشان می‌دهند. در لایحه بودجه امسال هم انتشار بیش از ۲۵۰ هزار میلیارد تومان اوراق پیش‌بینی شده است.

با اینکه مجموع اوراق منتشرشده در دو سال اخیر دولت قبلی و دو سال ابتدایی این دولت تفاوت فاحشی از نظر عددی ندارد، اما گزارش سازمان برنامه نشان می‌دهد که تا مرداد سال گذشته، سهم اوراق مالی از کل بودجه کشور از ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۱۴ درصد در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته و پیش‌بینی می‌شود این نسبت در سال ۱۴۰۲ به ۹ درصد کاهش داشته باشد.

بنابراین دو نکته را نباید از نظر انداخت؛ یکی اینکه به دلیل تورم، ارزش حقیقی انتشار اوراق در دولت رئیسی کمتر از مقدر عددی آن بوده و همچنین سهم بالایی از این مبلغ، صرف بازپرداخت اصل و سود اوراق قبلی شده است. اعلام رسمی سازمان برنامه در ۱۴ مرداد سال قبل نشان می‌دهد که از ابتدای دولت سیزدهم تا لاقل ابتدای مرداد سال قبل، بخش بزرگی (۹۸ درصد) از انتشار اوراق بدهی انجام‌شده، برای تسویه بدهی دولت قبل بوده و دولت سیزدهم تا آن تاریخ تنها شش هزار میلیارد تومان در محل انتشار اوراق به‌طور خالص تأمین مالی کرده است. دوم اینکه در دو سال آخر دولت روحانی به دلیل تشدید تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت به دلیل کرونا، درآمدهای دولت به میزان زیادی کاهش داشته است. بنابراین دولت مجبور شد که برای پوشش کسری بودجه خود، دست به انتشار اورق بزند. این در حالی است که در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به دلیل افزایش درآمدهای نفتی و نیز برداشت از صندوق توسعه ملی، در کنار افزایش بدهی دولت به بانک‌ها، نیاز به انتشار اوراق کمتر شد. بنابراین میزان درآمدهای نفتی صرف‌نظر از دولت مستقر، نقش اساسی در میزان انتشار اوراق دولتی داشته است.

به عبارت دیگر باید گفت شواهد و آمارها حاکی از آن است که دولت سیزدهم هم دست از استقراض نکشیده، بلکه سراغ راه‌هایی رفته است تا استقراض خود را غیرشفاف‌تر و کم‌سروصداتر کند.

مدل بی‌انضباطی عوض شده است

اگرچه تلاش در جهت کاهش استقراض و ایجاد بدهی در سال‌های آینده به‌طور کلی مطلوب است، اما همان‌طور که گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس روایت می‌کند، در شرایطی که به علت کسری بودجه، دولت‌ها ناگزیر از استقراض هستند، بهترین شیوه استقراض همان نوعی است که تعهدآور و دوما شفاف باشد. یعنی مبلغ، نحوه به‌روزرسانی و سایر ویژگی‌های بدهی و روش و زمان بازپرداخت آن برای همه روشن باشد. بدهی‌های از نوع اوراق دارای این ویژگی هستند؛ درحالی‌که سایر انواع استقراض مانند استقراض از صندوق توسعه ملی یا شبکه بانکی که دولت سیزدهم به وفور آن را به کار می‌گیرد، به این صورت نیست. در نتیجه وقتی دولت به علت مضیق منابع، ناگزیر از استقراض است، کاهش انتشار اوراق مالی موجب کاهش استقراض نمی‌شود و صرفا

شرق

یادداشت

راه گم‌شده بورس



امیرحسین جنانی

کارشناس بازار سرمایه

بازار سرمایه این روزها همچنان منتظر تغییر و تحولی برای حرکت خود است و نرخ ارز نیلماي و خبرهای نرخ بهره را دنبال می‌کند. به نظر می‌رسد که بورس برای حرکت به محرک‌هایی قوی نیاز دارد که درحال‌حاضر هیچ‌یک دیده نمی‌شود. این محرک‌ها در سه سطح طبقه‌بندی می‌شوند که متأسفانه درحال‌حاضر هر سه سطح خاموش و بی‌حرکت ایستاده و تماشاجی هستند و وضع بازار هم همین شده است. سطح اول سطح اخبار کلان

در دو حوزه است که با آن مواجه هستیم؛ یکی تغییرات در نرخ دلار نیلماي که لاک‌پشتی و آرام پیش می‌رود و دیگری تغییرات نرخ بهره که با اینکه زمزمه‌های شکست این سیاست شنیده می‌شود اما هیچ‌کس حاضر به چرخاندن فرمان نیست. البته رویداد دیگری هم در این سطح اول دیده می‌شود و آن، شفاف‌شدن سیاست‌های مالیاتی دولت است که گویا به‌زودی درباره آن در مجلس تصمیم‌گیری می‌شود؛ هرچند خیلی‌ها دیگر به این موضوع هم خوش‌بین نیستند. اما سطح دوم، سطح تحولات اخبار صنایع است که در آن هم سکوت محض دیده می‌شود؛ از خودرو گرفته تا لایبشسی و پتروشیمی و موارد دیگر به‌ویژه خودرو که می‌تواند نقش محوری را در این حوزه ایفا کند. اینجا هم خبری نیست و کسی حرفی نمی‌زند… . و در سطح سوم شرایط صورت‌های مالی و گزارش شرکت‌هاست که آن هم هنوز چندان منتشر نشده است و آنچه منتشر شده، آش دهن‌سوزی نیست و اتفاقا در برخی اوقات ترسناک‌بودن شرایط حاشیه سود شرکت‌ها در سه‌ماهه پایانی را نشان می‌داد. البته باید گفت که موضوع افزایش سرمایه‌ها هم شاید کمی مؤثر باشد. با این شرایط باید به بازار حق بدهیم که ناامید باشد و چشم‌انداز چندان مثبتی برای خود متصور نباشد. با این حال اگر بازار نتواند تغییر جدی را در مسیر خود ایجاد کند، دچار یاس و ناامیدی می‌شود که این روزها بخشی از آن را در معاملات شاهد هستیم. چندی پیش آماري منتشر شد که نشان می‌داد چه میزان از ایرانی‌ها در بازار کریپتو فعال هستند. نتایج این آمار نشان می‌داد که ایرانی‌ها در این بازار پیشرو هستند و چیزی حدود ۱۳.۵ درصد از ایرانیان و معادل ۱۲ میلیون نفر ایرانی در بازار کریپتو فعالیت می‌کنند. این آمار چند موضوع را می‌رساند. موضوع اول این است که بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که با فعالیت‌های عادی اقتصادی به اهداف و آرزوهای خود نمی‌رسند و از تورم عقب هستند و راهی جز جبران این عقب‌افتادگی با فعالیت‌های متهورانه و پرریسک ندارند. نکته دیگر این است که به‌طور کلی نشان می‌دهد در جامعه ایران افراد متعددی با دامنه ریسک‌پذیری بالا وجود دارند که می‌توانند شرایط متفاوت از ریسک‌پذیری را تحمل کرده و سرمایه‌های خود را درگیر کنند. نکته دیگر اینکه بسیاری از افراد به این نتیجه رسیده‌اند که هرچه کار کنند، از تورم عقب هستند و باید برای جبران آن سراغ فعالیت‌هایی غیر از مشاغل مولد بروند. در واقع آنها معنی و مفهوم نرخ سود واقعی و تورم و نرخ سود حقیقی را به معنای واقعی کلمه درک کردند و البته باید گفت هرچند بسیاری تأکید می‌کنند که ریسک بازار ارز دیجیتال بالاست، اما درحال‌حاضر شرایط بازار سرمایه هم به سمتی پیش رفته که ریسک‌های عجیب و خاص خود را دارد و می‌بینیم که ریسک بورس هم کم از ریسک بازار ارز دیجیتال نیست. این در شرایطی است که سیاست‌گذار اقتصادی می‌توانست با ایجاد یک زمینه امن و جذاب در بازار سرمایه و همچنین تعریف ابزارهای مختلف بیزوردشت اقتصادی و مالی، زمینه مناسبی برای حضور این حجم پول در بخش واقعی اقتصاد فراهم آورد تا این شکل خروج سرمایه نگیرد و در ثانی بتواند وضعیت مثبتی را ایجاد کند. اما دقیقا به

واسطه آگاهی پایین عکس این سیاست را در پیش گرفته و چنین وضعیتی را رقم زده است که افراد حاضرند ریسک‌های متعدد این بازار‌ها را به جان خریدند ولی سراغ بازار سرمایه نایند.